

آثار فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران

زهرا السادات مکی^۱؛ اسماعیل کشکولیان^۲؛ اکرم السادات مکی^۳

دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۶؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۵

چکیده

فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران از طریق دو قانون اصلی، یکی مصوب ۱۳۵۳ و دیگری اصلاح شده در سال ۱۳۹۲، مورد توجه قرار گرفته است. قانون ۱۳۵۳ با هدف حمایت از کودکان بدون سرپرست تدوین شد و رابطه‌ای شبه نسبی بین فرزندخوانده و والدین سرپرست ایجاد نمود. با این حال، برخی نواقص در این قوانین، به ویژه در زمینه حقوق ارث و ازدواج فرزندخوانده نیاز به بازنگری داشت. در سال ۱۳۹۲، قانون گذار با اصلاح قانون پیشین تلاش کرد تا حمایت بیشتری از کودکان بی سرپرست فراهم کند و به چالش‌های موجود پاسخ دهد. این اصلاحات شامل گسترش دایره شمول فرزندخواندگی به کودکان بد سرپرست، تقویت حقوق فرزندخوانده در مورد ارث و ازدواج و همچنین ایجاد تدابیر حمایتی بیشتر برای تضمین منافع عالی‌ه کودک بود. این مطالعه به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی تغییرات و اصلاحات انجام شده در قانون ۱۳۹۲ پرداخته و اثرات آن‌ها را بر حقوق و وضعیت فرزندخوانده در خانواده‌های سرپرست مورد مطالعه قرار می‌دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که قانون جدید توانسته است تا حد زیادی به نیازهای حقوقی و اجتماعی کودکان بدون سرپرست پاسخ دهد، اما همچنان در برخی حوزه‌ها نیازمند اصلاحات و تدابیر مؤثرتر است. در این میان، پیشنهادها این پژوهش شامل اصلاحات قانونی بیشتر و تقویت نظام حمایتی کودکان و نوجوانان بی سرپرست در راستای ایجاد تعادل میان حقوق فرزندخوانده و سرپرست است.

واژگان کلیدی: فرزندخواندگی، حقوق اطفال، ولایت، ارث، ازدواج.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران.
zahramaki896@gmail.com

^۲ استادیار گروه حقوق، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران؛ e.kashkoulia@khuisf.ac.ir

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران.
Akrammaki491@gmail.com

مقدمه

هرساله تعداد زیادی از کودکان، به دلایل مختلف والدین خود را از دست می‌دهند و از سوی دیگر بسیاری از زوجین از نعمت فرزند محروم بوده و مایل به سرپرستی کودکان بی‌سرپرست هستند در اینجا است که بحث فرزندخواندگی مطرح می‌شود (توسلی نائینی و امید نیروند، ۱۳۹۱، ص ۲۰-۲۷). فرزندخواندگی در لغت از فرزند خواندن تشکیل شده است و بدین معنا است که شخصی، کسی را که با وی رابطه‌ی پدری یا مادری ندارد به فرزند پذیرد. در زبان عربی دو واژه‌ی «دعی» یا «تبنی» را نیز معادل فرزندخواندگی در نظر گرفته است. در اصطلاح حقوقی فرزندخواندگی یا «تبنی» را نیز معادل فرزندخواندگی در نظر گرفته‌اند. در اصطلاح حقوقی یا «تبنی» آن است که کسی دیگری را که فرزند طبیعی او نیست به فرزند پذیرد و نهاد قانونی است که به موجب آن رابطه‌ی خاصی بین فرزندخوانده و پدرخوانده و مادرخوانده به وجود می‌آید (رضوی نژاد، معین، ۱۴۰۱، ص ۱۶۳ تا ۱۸۳). در زمینه‌ی فرزندخواندگی بررسی آیات قرآن ما را توجه خواهد ساخت که در دین مبین اسلام مشروعیت برای فرزندخواندگی متصور نشده است. احکام مربوط به این امر هرچند در صدر اسلام مورد پذیرش جامعه بوده اما با ظهور اسلام با نزول آیات ۴ و ۵ و ۳۶ الی ۴۰ سوره‌ی احزاب، فرزندخواندگی در جهان اسلام مردود اعلام گردیده است؛ بنابراین هیچ‌گونه اثر شرعی از جمله محرمیت بر این رابطه بار نخواهد گذاشت. در حقوق ایران در آن زمانی که فرزندخواندگی به‌عنوان نهادی کاملاً متروک در جامعه ایرانی شناخته می‌شد، با تصویب قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳ نهادی ایجاد شد که فرزندخواندگی را به معنایی که ایجاد نسب کند نمی‌پذیرد بلکه سعی داشت با وضع مقررات حمایتی، سرپرستی اطفال بدون سرپرست را تضمین کند. در واقع هدف قانون‌گذار از وضع این قانون این بوده که اطفال یتیم و رها شده هم بتوانند در کنار کانون گرم خانواده پرورش یابند. پس از ایرادات و کاستی‌هایی که در قانون سابق وارد بود مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۲ قانون جدیدی را در این باب تصویب نمود که تا حدودی با قانون سابق هم‌پا می‌شد، اما در

برخی موارد نیز تفاوت‌هایی بین آن‌ها وجود دارد (عبداللهی، ۱۴۰۱، ص ۳۲ تا ۴۴) که در این پژوهش قصد داریم رویکرد نظام حقوقی ایران را بررسی کنیم.

۱- پیشینه فرزندخواندگی در ایران

در میان اقوام پیشین از جمله در روم قدیم و یونان و ایران باستان فرزندخواندگی به رسمیت شناخته شده بود و حقوق ویژه‌ای را ایجاد می‌کرد، این موضوع در ایران باستان به خصوص درباره‌ی پادشاهان رواج بیشتری داشت. فرزندخواندگی در میان یهودیان و مسیحیان موضوعی پذیرفته شده است. هرچند که آن حقوقی که در قوانین روم وجود داشت در میان آنان رسمیت نداشت درعین حال فرزندخواندگی از نوع دیگر در فرهنگ مسیحیان جایگاه خاص خود را دارد که آن عبارت است از فرزندخواندگی معنوی اساساً برای مسیحیان پسرخواندگی حضرت مسیح برای خدا یک اصل اعتقادی است، آن‌ها هم‌چنین عیسی را علاوه بر خدا پسرخوانده نامزد مریم می‌دانند (جعفری، ۱۴۰۲، ص ۲۲ تا ۲۷) در کشور ایران بعد از انقراض حکومت ساسانیان و ورود احکام اسلام به این کشور فرزندخواندگی منسوخ گردید و تابستان ۱۳۵۳ شمسی پذیرش کودک اعم از بی‌سرپرست و یا دارای سرپرست، بدون مینا و حکم قانونی و صرفاً بانگیزه‌های معنوی انجام گرفت. قانون‌گذار در سال ۱۳۵۳ با اقتباس از حقوق کشورهای اروپایی به خصوص کشور فرانسه، قانونی را در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۵۳ به تصویب رساند. (موسوی بجنوردی و علایی نوین، ۱۳۸۸، ص ۱۷ تا ۱۸) البته قانون مزبور با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بد سرپرست مصوب ۱۳۹۲/۶/۳۱ نسخ شده است. این قانون مشتمل بر ۳۷ ماده است و به نظر می‌رسد که از قانون سابق جامع‌تر است. در این قانون برای اولین بار به جای لفظ سرپرستی، از عنوان فرزندخواندگی استفاده شده است (رفع نیا و جرقی، ۱۳۹۴، ص ۱ تا ۲۷).

۲- مفهوم شناسی

الف) فرزند، طفلی را گویند خواه پسر باشد خواه دختر. در فقه لغت ولد همین معنی را دارد و زائیده‌ی انسان بی‌واسطه و باواسطه که شامل اولاد و اولاد اولاد هر قدر پایین‌تر رود.

ب) فرزندخواندگی، یک عمل حقوقی است که به‌موجب پیدایش رابطه فرزند صوری بین دو شخص می‌شود یکی را فرزند خواه^۱ و دیگری را فرزندخوانده^۲ نامند و رابطه‌ی مزبور را فرزندخواندگی^۳ خوانند. این عمل سلب حقوقی را که فرزندخوانده در خوانده‌ی واقعی خود دارد اعمال نمی‌کند. عمل حقوقی مزبور نمونه‌ی یک عقد تشریفاتی است که باید به تصدیق دادگاه شهرستان برسد. فرزندخوانده^۴: فرزندی که از طریق رابطه‌ی حقوقی فرزندخواندگی عنوان یافته باشد (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰، ص ۵۸۲).

۳- فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران

۳-۱ فرزندخواندگی قبل از انقلاب اسلامی

طبق این قانون که در سال ۱۳۹۲ لغو گردید با مجوز دادگاه خانواده‌های بدون فرزند می‌توانستند سرپرستی یک فرزند یا بیشتر را بپذیرند زوج‌هایی که داوطلب سرپرستی می‌بودند باید ثابت می‌کردند که ۵ سال تمام از ازدواج آن‌ها گذشته است و قادر به فرزند دار شدن نمی‌باشند آن‌ها باید هم‌چنین ثابت می‌کردند که سابقه محکومیت کیفری سابقه‌ی بیماری ذهنی و مشکل اخلاقی، بیماری واگیردار یا صعب‌العلاج، اعتیاد به الکل یا داروهای دیگری نداشته باشند و ساکن ایران باشند کودکی می‌توانست به فرزند قبول شود که صغیر بوده و دارای پدر، مادر یا جد پدری نباشد و در هیچ‌یک از نهادهای قضایی عمومی در ۳ سال قبل تقاضا و ادعایی توسط پدر، مادر یا جد پدری او

¹ Adoptant

² Adopte

³ Adoption

⁴ Enfant Adoptif

برای سرپرستی مطرح نشده باشد و سن یکی از زوجین در زمان تقاضا حداقل باید سی سال می‌بود طبق ماده‌ی ۱ این قانون که مقرر می‌داشت هر زن و شوهر مقیم ایران می‌توان با توافق یکدیگر طفلی را تصویب دادگاه و طبق مقررات این قانون سرپرستی نماید ارکان سرپرستی بین‌المللی تا حدی مشابه فرزندخواندگی بین‌المللی برای زوجین خارجی مقیم ایران وجود داشت (توسلی نائینی و امید نیرومند، ۱۳۹۱، ص ۲۰ تا ۲۷).

۲-۳ فرزندخواندگی بعد از انقلاب اسلامی

بعد از تصویب قانون سال ۱۳۵۳، قوانین مربوط به فرزندخواندگی نیازمند اصلاح و تغییراتی بود تا بتواند در عین ارائه‌ی خدمات بهتر و تجدید و تثبیت قوانین وضع شده فرصت مناسب‌تری برای کودکان بی‌سرپرست فراهم کند، به همین دلیل قوانین ۱۷ ماده‌ای مصوب ۱۳۵۳ در سال ۱۳۸۸ مورد بازنگری قرار گرفت و قانون جدید برای رفع مشکلات مربوط به فرزندخواندگی بعد از ۳۵ سال تنظیم و به مجلس ارائه شد سرانجام نوسانات، تغییرات و ... در تصویب قانون جدید اثرگذار بود و قانون جدید فرزندخواندگی مشتمل بر ۳۷ ماده و ۱۷ تبصره در جلسه‌ی علنی مجلس شورای اسلامی تصویب شد و به تائید شورای نگهبان رسید. مهم‌ترین علت برای اعمال بازنگری تسهیل در قوانین فرزندخواندگی و بیشتر شدن جامعه‌ی کودکانی که بتوانند فرزندخوانده شوند بود اما در نهایت قوانینی که در سال ۱۳۹۲ تصویب شد دارای نقاط ضعف و قوتی است که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) سن فرزندخواندگی از ۱۲ سال به ۱۶ سال افزایش یافت. اقدام مثبت دیگری که در این قانون مطرح شده که می‌توان از آن نام برد کاهش سال واگذاری به کودکان بهزیستی از سه به ۲ سال است. کاهش سال واگذاری نه تنها باعث شده که میزان کودکان مشمول قانون بیشتر شود بلکه از این نظر نیز بسیار به حال کودک و نوجوان مطلوب‌تر و مؤثرتر است زیرا هر سال که می‌گذرد شانس فرزندخوانده شدن کودک با افزایش سن کاهش می‌یابد چون اکثر والدین، متقاضی و خواستار داشتن کودکان خردسال‌تر هستند و با

افزایش سن اقبال پذیرش این کودکان به فرزندخواندگی کم تر می شود به علاوه افزایش سن کودک نیز مانع از برقراری روابط عاطفی موفق تر بین فرزندخوانده و سرپرست است. اعطای فرزند به زنان و دختران مجرد بالای سی سال نیز اقدام بسیار مثبتی است؛ زیرا که این امر از یک جهت می تواند امید را در دل دختران و زنانی که برای همیشه مجرد و تنها مانده اند روشن کند که از طریق پذیرفتن حضانت فرزندی تنهایی هایشان را پایان ببخشند و احساس مادری را در عوض حس همسری که تجربه نکرده اند به دست بیاورد و همچنین اعطای فرزند به خانواده هایی که یک فرزند دارند اما به دلایل دیگر فرزنددار نمی شوند از اقدامات نمادین قانون گذار در راستای حمایت هر چه بیشتر از کودکان بی-سرپرست است.

ب) ازدواج با فرزندخوانده امکان پذیر است؛ ممنوع نبودن ازدواج بین سرپرستان و خویشاوندان نزدیک آنان با طفل تحت سرپرستی در واقع باهدف قانون گذار از تأسیس این نهاد حقوقی در تعارض است لذا مجوز ازدواج فرزندخوانده با سرپرست مطلق نبوده و با عنایت بر تبصره ماده ۲۶ منوط به اجازه ی دادگاه و با رعایت مصلحت فرزندخوانده است. اقدام دیگر، درج فرزندخوانده بودن در شناسنامه ی فرزند و زوجین و امکان تغییر نام فرزندخواندگی بعد از ۱۸ سالگی فرزندخوانده است که جزء اقدامات تنش زا و منفی این قانون است (قیصری بهمند، ۱۳۹۳، ص ۱۳۴-۱۳۵). به نظر می رسد در مجموع می-توان گفت قانون جدید از قانون سابق متضمن حمایت بیشتری از اطفال و نوجوانان بی-سرپرست و بد سرپرست است. در این قانون بر مصلحت کودک و نوجوان تأکید بیشتری شده است گرچه قانون سابق مشمول کودکان زیر ۱۲ سال بود لیکن این قانون دایره شمولیت قانون را تا ۱۶ سال افزایش داده است البته دیگر شرایط پذیرش سرپرستی نسبت به قانون سابق افزایش پیدا کرده است. با این حال ازدواج سرپرست با کودک تحت سرپرستی و درج مشخصات والدین واقعی از نارسایی و ضعف این قانون است.

۴- آثار مالی و غیرمالی فرزندخوانده

۴-۱ آثار غیرمالی

محرمیت فرزندخوانده: راه‌های محرمیت و حرمت دائمی بین فرزندخوانده و والدین ادعایی، به‌طور معمول از طریق رضاع (شیر دادن) یا عقد محرم با شرایط خاصی امکان‌پذیر است. فرزندخوانده چون از محارم شمرده شده در قرآن کریم نیست، برای این که در خانواده بتواند همانند فرد واقعی زندگی کند، باید به وسیله‌ای به افراد خانواده محرم شود که اگر محرمیت با شرایط رضاع وجود نداشته باشد راه‌حل، عقد نکاح است که هدف از آن تشکیل خانواده و رابطه‌ی زناشویی نیست، بلکه صرفاً برداشتن مانع شرعی عدم محرمیت هدف آن است (دارایی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۳۵-۶۱).

راه‌های ایجاد محرمیت بین فرزندخوانده در فقه و حقوق: فرزندخوانده از طریق ذیل محرمیت حاصل می‌کند: (۱) هرگاه زوجه شیر داشته باشد (مثلاً خانم موردنظر فرزندی به دنیا آورده و فرزندش پس از تولد فوت کرده و می‌خواهد جای خالی فرزندان فوت‌شده‌اش را با آوردن نوزاد بی‌سرپرستی پر کند) در این صورت اگر به او شیر بدهد مانند فرزندان خودش به پدر و مادر و سایر محارم او محرم می‌شود و اگر شیر نداشته باشد این امر از طریق رضاع برخی از بستگان زن یا شوهر امکان‌پذیر است. (۲) اگر مادر زوجه شیر داشته باشد، به‌اندازه‌ی لازم و با رعایت شرایط معتبر که در رسانه‌های توضیح المسائل آمده است به آن نوزاد شیر می‌دهد، سپس آن پسر بچه حکم فرزند رضایی او را پیدا کرده و به آن خانم نیز محرم می‌گردد؛ زیرا برادر رضایی او خواهد شد. نه تنها به آن خانم، بلکه به خواهران، خواهرزاده‌ها، برادرزاده‌ها، عمه‌ها، خاله‌ها، مادر بزرگ و تمامی نوه‌های مادر بزرگ محرم خواهد شد. (۳) اگر خواهر یا خواهرزاده یا نوه‌ی زوجه شیر داشته باشد و به‌طور کامل به آن پسر بچه شیر دهد در این صورت نیز به آن خانم محرم شده و حکم خواهرزاده و یا فرزند خواهرزاده‌ی او را پیدا می‌کند و علاوه بر این به مادر و یا سایر خواهران و برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌ها و عمه‌ها و خاله‌ها و مادر بزرگ و نوه‌های

مادربزرگ نیز محرم می‌گردد. ۴) اگر یکی از برادرهای آن خانم، یا دختر یکی از برادرهایش یا حتی نوه یکی از برادرهایش، طبق آنچه در بالا آمد، به آن نوزاد شیر دهد، به آن خانم و تمامی افرادی که در بالا گفته شد محرم می‌گردد و خانم مذکور عمه‌ی رضایی او به شمار می‌آید. اگر فرزندخوانده دختر باشد می‌توان محرمیت را بین دخترپچه و پدرخوانده به طریق ذیل وارد کند ۱- شیر زوجه را بخورد که در این صورت دختر رضایی مرد می‌شود؛ ۲- شیر مادر را بخورد که در این صورت خواهر رضایی مرد می‌شود؛ ۳- شیر خواهر مرد را بخورد که دخترخواهر رضایی مرد می‌شود و یا شیر دخترخواهر مرد را بخورد؛ ۴- شیر زن برادر مرد را بخورد که دختر برادر رضایی او می‌شود و یا شیر دختر برادر او را بخورد (مرادی و جمشیدی، ۱۳۹۳، ص ۵).

۴-۲ ولایت بر فرزندخوانده

یکی از مباحث مهم در بحث فرزند خواندن کودک بی‌سرپرست و هم برای رفع خلأ موجود در زندگی زوجین نابارور، موضوع ولایت بر فرزندخوانده است. ولایت در لغت مصدر (ولی) و به معنای حکومت، فرمانروایی، تسلط پیدا کردن، دوستداری و تصرف کردن است (انصاری و همکاران، ۱۳۸۴). در اصطلاح عبارت است از اختیاری شرعی و سلطه قهری و قانون پاره‌ای از اشخاص بر اشخاص دیگر است (عاملی، ۱۴۱۰) و در اصطلاح حقوقی، قدرت و اختیاری است که به موجب قانون به یک شخص ذیصلاح، به منظور اداره‌ی اموال و مواظبت شخص محجور داده می‌شود (صفایی و امامی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۴۴۶). در قانون مدنی ایران کودکان بی‌سرپرست این‌گونه تعریف می‌شوند. کودکان بی‌سرپرست به کودکانی اطلاق می‌شود که بنا به هر علت و به‌طور دائم یا موقت، سرپرست خود را از دست داده باشند. اگر پدرخوانده را در حکم ولی قهری بدانیم، در این صورت اداره‌ی اموال و نمایندگی فرزندخوانده صغیر بر عهده پدرخوانده است؛ اما پدرخوانده به‌منزله‌ی ولی قهری نیست، ولی قهری کسی است که نسب طفل از نظر شرعی بدون واسطه به او برسد؛ اما پدرخوانده، رابطه‌ی خونی و طبیعی با طفل ندارد پس نسب شرعی ثابت نمی‌شود و در نتیجه حق ولایت بر اموال طفل را هم نخواهد

داشت زیرا در ولایت قهری برابر ماده ۱۱۸۴ ق.م.چنان چه ولی قهری لیاقت اداره کردن اموال مولی‌علیه را نداشته باشد یا در اموال او مرتکب حیف و میل گردد یا قادر به اداره اموال ولی نباشد، بعد از ثبوت عدم توانایی، عدم لیاقت یا احراز خیانت او، دادگاه اقدام به ضم امین خواهد کرد و امین در اداره‌ی اموال طفل به منظور جلوگیری از حیف و میل یا ورود ضرر به وی مداخله خواهد کرد. پدرخوانده را نمی‌توان ولی قهری فرزندخوانده تلقی کرد، لذا فرزندخوانده و همچنین کودکان بی‌سرپرست، ولی جز حاکم شرع نخواهند داشت. همچنین پدرخوانده را نمی‌توان به منزله‌ی قیم تلقی کرد، زیرا حدود وظایف پدرخوانده با حدود تکالیف قیم مشابهت ندارد، زیرا قیم می‌تواند در مقابل کاری که انجام می‌دهد دستمزد بگیرد، در صورتی که در مورد پدرخوانده و مادرخوانده این‌طور نیست (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۸؛ ص ۱۷-۱۸).

۳-۴ تسری نام خانوادگی

نهاد فرزندخواندگی نهادی است برای اصلاح و تعدیل کمبودها و نقایص و نه کتمان و مخفی نمودن آن. برای این‌که اعتبار ساخته‌شده توسط قانون بتواند هر چه بیشتر رنگ خانواده‌ی طبیعی به خود بگیرد و احساس تعلق را میان اعضای آن فزونی بخشد و نیز برای جلوگیری از پاره‌ای از مشکلات اجرایی، انتقال نام خانوادگی پذیرندگان به کودک ضروری به نظر می‌رسد که بر طبق تبصره ۳ ماده ۲۲ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست تلاش بر این است که نام خانوادگی و مشخصات هویتی فرزندخوانده حتی‌الامکان حفظ شود (ذوقی و مولا نوری شمسی، ۱۳۹۶، ص ۲۵).

۴-۴ آثار مالی

۱-۴-۴ نفقه‌ی اطفال بی‌سرپرست و بدسرپرست

در ماده‌ی ۱۵ قانون حمایت از کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست در این خصوص گفته‌شده است که سرپرست وظیفه‌ی تأمین هزینه‌های نگهداری از کودک و پرداخت نفقه او را دارد و در این مورد مانند نفقه فرزندان خونی عمل می‌شود. همان مخارج

معمول و متعارفی که برای فرزند خونی است، باید برای فرزندخوانده هم اعمال شود. در این امر اولویت با پدر است و در صورتی که پدر فوت کند یا به هر دلیلی توانایی مالی نداشته باشد، باید مادر نفقه‌ی فرزندخوانده را بدهد. بر اساس ماده‌ی ۱۵ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست مصوب ۱۳۹۲، به‌طور عام به تأمین مایحتاج کودک که همان نفقه است و به‌طور خاص به تأمین هزینه‌های تحصیل و تربیت کودک پرداخته شده است؛ بنابراین دادگاه مکلف است که وقت صدور حکم سرپرستی وضعیت مالی سرپرست را بررسی کند و در مدت سرپرستی موقت، تمکن مالی و تأمین هزینه‌های زندگی را نیز بررسی کند. همچنین در ماده‌ی ۶ قانون مذکور، یکی از شرایط سرپرست را تمکن مالی دانسته شده که دادگاه را موظف کرده تا تحقق این شرط را بررسی نماید. (ماده‌ی ۶ درخواست‌کنندگان سرپرستی باید دارای شرایط زیر باشند تمکن مالی وعدم حجر) این شرایط می‌تواند زمینه‌ی رفاه مالی و آسایش زندگی کودک را در آینده تأمین کرده و یکی از آثار مؤثر نهاد سرپرستی است که شخص سرپرست را به پرداخت و تأمین هزینه‌های متعارف زندگی طفل موظف کند (تقوی، ۱۴۰۲، ص ۶۳).

۴-۴-۲ ارث در فرزندخواندگی

در حقوق ایران توارث مسئله‌ای قانونی است که قانون‌گذار درباره‌ی آن تعیین تکلیف نموده است و تراضی برخلاف آن امکان‌پذیر نیست. مطابق ماده ۸۶۲ قانون مدنی اشخاصی که به‌موجب نسب ارث می‌برند عبارت‌اند از ۱- پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد؛ ۲- اجداد و برادر و خواهر و اولاد آن‌ها؛ ۳- اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آن‌ها، حال ممکن است گفته شود که وقتی کودکی به‌حکم قضایی به فرزند پذیرفته می‌شود در دسته‌ی اول سرپرست قرار گرفته و در نتیجه مطابق ماده مزبور حق ارث‌بری خواهد یافت اما حقوقدانان و فقهای اسلامی عقیده دیگری دارند. چنان‌که گفته‌اند فرزندخوانده، فرزند محسوب نمی‌شود و ارث نمی‌برد ولی اگر در حال حیات چیزی به او بخشیده و به قبض او داده‌شده باشد مالک می‌شود. (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۹، ص ۴۹۹) همچنین گفته‌شده است در ثبت کردن نام کودکان بی‌سرپرست در شناسنامه‌ی افراد

خیر، کار بدی نیست، به‌ویژه اگر حل مشکل قانونی منحصر به آن باشد باید به‌شدت مراقبت شود که موجب اشتباه در نسب نشود و آثار خلاف شرع بر آن مترتب نشود، از قبیل ارث و معاشرت محرم‌گونه و امثال آن که در این صورت حرام است. (طباطبایی حکیم، ۱۳۹۱) البته غالب فقها و حقوقدانان ایرانی پذیرفته‌اند که اگرچه فرزندخوانده ارث نمی‌برد، ولی می‌توان به نحو صلح یا بخشش به او مالی را تملک نمود. (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۹، ص ۶۱۴) ماده ۲ قانون مصوب ۱۳۵۳ نیز در این باره این چنین مقرر کرده بود: (به‌منظور تأمین منافع مادی و معنوی طفل) ولی در هر حال از موجبات ارث نخواهد بود) اگرچه در قانون جدید به‌صراحت در باب ممنوعیت توارث سخنی نیامده اما همچنان در این باره تردید جدی وجود دارد برخی از حذف قید ولی در هر حال از موجبات ارث نخواهد بود در قانون جدید چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که گامی روبه‌جلو در راستای به رسمیت شناختن ارث میان طرفین سرپرستی است اما فرزندخواندگی کامل که دارای کلیه آثار نسب باشد، در حقوق اسلامی به رسمیت شناخته‌نشده و از قانون جدید که مبتنی بر فقه است چنین برمی‌آید که در مورد حقوق و تکالیف سرپرست یا سرپرستان و کودک یا نوجوان باید به موارد مصرح قانونی بسنده نمود (صفایی وامامی، ۱۳۹۷، ص ۳۲۱).

در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بد سرپرست مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۱۴ صدور حکم سرپرستی را مشروط به تملیک بخشی از اموال با حقوق سرپرست به کودک و نوجوان نموده است؛ اما اولاً ماده مذکور درباره نوع حق قابل انتقال به فرزندخوانده دارای ابهام بوده و نیازمند تفسیر است که چه نوع حقوقی قابل انتقال به فرزندخوانده است. چنانکه به‌زعم برخی از نویسندگان اگر مقصود از حقوق مالی، مطالبات، سهام، مصادیق مالکیت‌های فکری است که این مصادیق مال، محسوب می‌شود و چنان چه حقوق مالی دیگری مدنظر باشد در این مورد ابهام دارد. (کاظم پور و بارانی، ۱۳۹۶، ص ۹۵-۱۱۶) ثانیاً در تشخیص نوع و میزان مال یا حقوقی که به دادگاه رسیدگی‌کننده واگذار شده ممکن است با تصمیم محکمه سهم ناچیزی به فرزندخوانده

تعلق گیرد و ثالثاً در تبصره همان ماده آمده است که اگر دادگاه تشخیص دهد اعطای سرپرستی بدون تملیک مال می‌تواند صورت گیرد و در صورتی که میزان و نوع مال صریحاً معین نشده، اجرای ماده مزبور حسب تصمیم دادگاه منتفی گردد (افشاری قوچانی، ۱۴۰۰، ص ۱۳-۱۵) باید توجه داشت که برخی از نویسندگان درباره مسئله توارث در فرزندخواندگی راه تسامح را برگزیده و اذعان داشته‌اند که پس از فوت والدین واقعی فرزندخوانده، توارث بالقوه میان فرزندخوانده و والدین سرپرست جریان می‌یابد آنان از حیث ارث در حکم فرزند و پدر و مادر خواهند بود (شریعتی نسب، ۱۳۹۰، صص ۱۶۳ و ۱۶۴) پس در فقه، در نتیجه تأکید قرآن بر حفظ خطوط نسبی فرزندخوانده، حق ارث‌بری از والدین طبیعی خود را حفظ می‌کند و همچنین حقی در اموال والد یا والدین سرپرست نمی‌یابد البته در مفهوم معاصر فرزندخواندگی مقوله و امکان ارث‌بری فرزندخوانده از والدین سرپرست مطرح بوده و صاحب‌نظران با تأکید بر امکان وصیت اموال به نفع فرزندخوانده تا سقف یک‌سوم ماترک یا انتقال اموال در حین حیات سرپرست در راستای حل این مسئله گام برداشته‌اند. (بهجت، ۱۳۸۶، ص ۴۰۱). به نظر می‌رسد در زمینه ارث بردن سرپرستان و کودک تحت سرپرستی از یکدیگر، قانون‌گذار ایرانی سخت‌گیری می‌نماید. این سخت‌گیری‌ها محدود به قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست نیست و موضع عمومی قانون‌گذار ما بلکه از فقه وام گرفته شده است.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری نشان می‌دهد که با تصویب قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست در سال ۱۳۵۳، اندکی به موضوع فرزندخواندگی توجه شد؛ اما با توجه به این‌که این قانون پاسخگوی تمام نیازهای کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست نبود، ضروری دانسته شد که در راستای حمایت بیشتر از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بد سرپرست، قانون جدیدی با عنوان قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بد سرپرست در سال ۱۳۹۲ به تصویب رسد. در مورد آثار مترتب فرزندخواندگی، آثار را به دو قسمت

مالی و غیرمالی تقسیم کردیم که در مبحث ولایت، به این نتیجه رسیدیم که پدرخوانده را نمی‌توان به‌عنوان ولی قهری در نظر گرفت و فرزندخوانده ولی جز حاکم شرع نخواهد داشت و در آثار مالی، باید گفت؛ سرپرست باید نفقه‌ی فرزندخوانده را بدهد. به‌علاوه در مبحث ارث اختلاف‌نظر وجود دارد. در فقه، فرزندخوانده حقی در اموال والد یا والدین سرپرست نمی‌یابد. این نظر در بین حقوقدانان هم پذیرفت شده است. باین‌حال امکان وصیت اموال به نفع فرزندخوانده تا سقف یک‌سوم ماترک یا انتقال اموال در حین حیات سرپرست پیش‌بینی شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود قانون‌گذار در نظام حقوقی ایران آثار فرزند حقی را نسبت به فرزندخوانده بار نکرده است.

منابع

۱. قران کریم
۲. رفع نیا، بهشید، جرقی، هادی؛ وضعیت حقوقی فرزندخواندگی در حقوق ایران، مقررات بین‌المللی تعارض قوانین، تحقیقات حقوقی بین‌المللی، شماره، ۲۸، ۱۳۹۴.
۳. افشار قوچانی، زهره، مسئله‌ی توارث در فرزندخواندگی در حقوق انگلیس و امریکا با نگاهی به حقوق ایران، فصلنامه‌ی علمی تخصصی دانشنامه‌ی حقوقی، شماره ۱۰، ۱۴۰۰.
۴. بهجت، محمدتقی، استفتائات، جلد ۴، سردفتر آیت اله بهجت، ۱۳۸۶.
۵. تقوی، سید روح، مطالعه‌ی تطبیقی آثار مالی سرپرستی اطفال در حقوق ایران و افغانستان، دوفصلنامه‌ی یافته‌های حقوقی، شماره ۵، ۱۴۰۲.
۶. توسلی نائینی، منوچهر، مطالعه‌ی تطبیقی فرزندخواندگی بین‌المللی در حقوق ایران، فرانسه و آلمان، نشریه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۲۳، ۱۳۹۹.
۷. توسلی نائینی، منوچهر، امید نیرومند، مرضیه، فرزندخواندگی مطالعه تطبیقی در فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه، نشریه دادرسی، شماره ۹۱، ۱۳۹۱.
۸. جعفری، یعقوب، فرزندخواندگی از دیدگاه اسلام، نشریه درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۱۴۰۱، ۷۳۹.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، نشریه گنج دانش، ۱۴۰۰.
۱۰. دارایی، محمدهادی، ناصر، مهدی، رضایی، مجید، باز پژوهشی در تحلیل ابعاد فقهی و حقوقی ازدواج با فرزندخوانده با رویکردی بر نظرات امام خمینی، مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره ۱، ۱۳۹۸.
۱۱. ذوقی، محمدصادق، مولا نوری شمسی، حامد، آثار مالی و غیرمالی در فقه امامیه و حقوق جمهوری اسلامی ایران، نشریه‌ی بلاغ مبین، شماره ۵۲-۵۳، ۱۳۹۶.
۱۲. رضوی نژاد، سیده‌الن، معین، وحید، بررسی تحولات مثبت در قوانین فرزندخواندگی، مطالعات حقوقی، سال ششم، ۱۴۰۱.
۱۳. شریعتی نسب، صادق، فرزندخواندگی، نشر شهر دانش، ۱۳۹۰.

۱۴. صفایی، سید حسین، امامی، اسدالله، ۱۳۹۸، **مختصر حقوق خانواده**، چاپ ۵۲، تهران بنیاد حقوقی میزان، ۸، ۱۳۹۰.
۱۵. طباطبایی، حکیم، محمد سعید، توضیح المسائل، قم مهر ثامن الائمه، ۱۳۹۱.
۱۶. طباطبایی، محمدصادق، حیدری، حامد، جعفری، نفیسه، **بررسی تطبیقی نکاح سرپرست با فرزندخوانده در حقوق اسلام**، ایران، فرانسه، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۱، ۱۳۹۸.
۱۷. عاملی، زین‌الدین (بی‌تا)، **الروضه البهیه فی الشرح لعمه الدمشقیه**، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۰ ه.ق.
۱۸. عبداللهی، محمد، **بررسی تطبیقی احکام مربوط به فرزندخواندگی در حقوق ایران**، نشریه علمی فقه، حقوق، علوم جزا، شماره، ۲۵، ۱۴۰۱.
۱۹. قیصری بهمند، سودابه، **گزارشی از روند تغییرات قوانین فرزندخواندگی در ایران؛ غریبه‌ای که می‌خواهم فرزندم باشد**، نشریه شهر قانون، شماره ۹، ۱۳۹۳.
۲۰. کاظم پور، سید جعفر، بارانی، مبینا، **تضمین عینی منافع کودک و نوجوان تحت سرپرستی**، فصلنامه تعالی حقوق، شماره ۱۹، ۱۳۹۶.
۲۱. مرادی، خدیجه، جمشیدی، ندا، **احکام فقهی، حقوق فرزندخواندگی و تأثیرات آن در سلامت خانواده**، همایش ملی چالش‌های خانواده ایرانی، ۱۳۹۳.
۲۲. موسوی بجنوردی، سید محمد، علایی نوین، فروزان، **بررسی وضعیت فرزندخواندگی بعد از انقلاب اسلام**، نشریه پژوهش‌نامه متین، شماره ۴۲، ۱۳۸۸.
۲۳. موسوی خمینی، روح اله، **استفتائات امام**، جلد ۹، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲.

The effects of adoption in Iran's legal system

Zahra Al-Sadat Makki¹; Ismail Kashkulian²; Akram al-Sadat Makki³

Received:2023/04/26; Accepted:2023/07/16

abstract

Adoption in Iran's legal system has been considered through two main laws, one approved in 1353 and the other amended in 1392. The law of 1353 was drafted with the aim of protecting children without guardians and created a quasi-relative relationship between adopted children and guardian parents. However, some deficiencies in these laws, especially in the field of inheritance rights and adopted child's marriage, needed to be revised. In 2012, the legislator tried to provide more support to orphaned children and respond to existing challenges by amending the previous law. These reforms included expanding the scope of adoption to children with bad guardians, strengthening the rights of adopted children regarding inheritance and marriage, as well as creating more protective measures to ensure the best interests of the child. This article examines the changes and amendments made in the law of 2013 in a descriptive-analytical way and studies their effects on the rights and status of adopted children in foster families. Surveys show that the new law has been able to respond to the legal and social needs of unaccompanied children to a large extent, but it still needs more effective reforms and measures in some areas. In the meantime, the suggestions of this research include further legal reforms and strengthening the support system for orphaned children and adolescents in order to balance the rights of adopted children and guardians.

Key words: adoption, children's rights, guardianship, inheritance, marriage.

¹ MA. Student in Private Law, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran. Islamic Azad University, Shahreza, Iran. zahramaki896@gmail.com.

² Assistant Professor, Department of Law, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran; e.kashkoulia@khuif.ac.ir.

³ MA. Student in Private Law, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran. Akrammaki491@gmail.com.